

بازگشت پیکر ۱۳۵ شهید دفاع مقدس به وطن

۱۸ تن از این شهدا، غواصانی هستند که با دست بسته در جزیره ام‌الرصاص به شهادت رسیده‌اند

صفحه ۱۶

شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۶ | اول رمضان ۱۴۳۸ | ۲۷ مه ۲۰۱۷ | سال نهم | شماره ۲۱۷۰ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان



نصرالله: حوادث بحرین از نتایج نشست ریاض بود

اگر به یک شهروند سعودی صندوق رأی بدهید نمی‌داند با آن چه کند فکر می‌کند جعبه تخم‌مرغ یا پنیر یا ماست است

صفحه ۱۵

حلول بهار قرآن، ماه میهمانی الهی، رمضان المبارک را تبریک می‌گوییم

تیتراهای امروز

پاسخ صریح کدخدایی به ادعای غیرواقعی روحانی

متخلفان انتخابات مجازات شوند

صفحه ۲

حملات شدید رسانه‌های غربی - عربی به دوحه

آمریکا هم پشت قطر را خالی کرد

صفحه ۱۵

فاجعه بانگی در پیش است

بعد از سرگردانی سپرده گذاران میزان ثامن الحجج و کاسپین، نوبت به مؤسساتی رسیده که بانک مرکزی آنها را بلا تکلیف گذاشته است

صفحه ۳

تعطل عجیب وزارت ورزش در قبال سرخابی‌ها

تیمداری دیمی

صفحه ۱۴

آیا دولت دوازدهم، اشتباهات دولت یازدهم را ادامه می‌دهد؟

اینها پاسخ می‌خواهد!

صفحه ۱۲

نگاه‌امروز

چگونه عملکرد و کارنامه موضوعیتش را از دست داد؟!

سعود فروغی

انتخابات ۲۹ اردیبهشت ۹۶ با تمام کشوقوس‌های سیاسی و اجتماعی‌اش یک بسته کامل اطلاعاتی برای بررسی رفتار گروه‌های سیاسی است، در اینکه کسب موفقیت برای جلب آرای اکثریت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد شکی نیست، اصلا مگر می‌شود در یک سیستم مردم‌سالار زیست سیاسی داشت و گفت «رای اکثریت بی‌اهمیت است!» به هر حال یک سوسو هر موفقیتی، شکست است، بدتر از شکست برای فعالان نظام سیاسی مردمی، مقابله با آرای عمومی و گردنکشی در برابر آن است، همان خاطره تلخ سال ۸۸ برای ۱۰۰ سال مردم ایران کافی است تا نتیجه «ژن زیر میز انتخابات» را یک ملت دریافت کند.

انتخابات‌ازدیهبشت ۹۶ مثل همه انتخابات‌ها یک طرف پیروز به معنای کسب آرای اکثریت داشت و یک طرف شکست خورده؛ در این مساله اما هیچ انتخاباتی مثل سال ۸۸ نبوده که یک سوسو انتخابات هم آرای اکثریت را به دست نیاورد و هم توان تحمل شکست سیاسی و بازسازی اجتماعی خودش را نداشته باشد. فالغ از اینکه چه کسی موفق شد رای اکثریت را به دست بیاورد، نحوه آرایش انتخاباتی است؛ صحنه انتخابات نشان می‌دهد مساله انتخابات چه بوده، رای‌ها چرا و چگونه به سمت افراد حاضر گرایش پیدا کرده یا برعکس؟ آیا میان مهم‌ترین مسائل انتخاباتی و دغدغه‌های عمومی نسبت معناداری وجود دارد یا خیر؟

شاید بررسی رفتار طرف پیروز انتخابات از آغاز رقابت‌ها تا روز رای‌گیری کمک بزرگی به پیدا کردن حل این سوال‌ها کند، اینکه دولت مستقر به کمک چه ابزاری بالاخره توانست خط تاریخی تمدید دولت در دوره دوم را ادامه دهد حتما یک دلیل خطی ندارد، نمی‌شود از این مساله که رای‌آوری رئیس دولت مستقر همیشه راحت‌تر از رقابش است گذشت اما درصد پایین دولت روحانی با وجود در اختیار داشتن ۴ ساله تمام از کان اجرایی کشور چیست؟

به نظر می‌رسد مهم‌ترین راز انتخابات ۹۶ که هم منجر به رای‌آوری مجدد حسن روحانی شد و هم یک قریب بزرگ ۱۶ میلیونی برای دولت به وجود آورد، تغییر صحنه انتخابات ریاست جمهوری از عرصه ایجابی به عرصه سلبی است.

ادامه در صفحه ۵

کمیته روابط خارجی سنا به بهانه‌های موشکی، حقوق بشر و ترور یسم مجموعه‌ای از تحریم‌های جدید علیه ایران تصویب کرد

با تحریم تا ۱۴۰۰

وزیر خزانهداری آمریکا:

تحریم‌ها واقعا کار می‌کند

صفحه ۲



حاشیه‌هایی از شب خاطره دفاع مقدس در حضور رهبر انقلاب

عکاسی که سوژه‌هایش را شهید می‌کرد!

نداشتیم؛ اینها بتدریج دارد بروز می‌کند». یا شهید صیادشیرازی که حالا دیگر پسر جای خالی پدر را در این مجلس پر کرده است.

مر ترضی سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت، هنر خود را به عنوان سخنران با تعبیری هنری از سوم خرداد نشان می‌دهد: «تبریک می‌گویم این روز قشنگ را که توانستیم خرمشهر را مثل یک قالیچه خوشرنگ از زیر پای یعنی‌ها بیرون بکشیم و...» آقا هم با تعبیر «خیلی خوب، خیلی قشنگ» سرهنگی را همراهی می‌کنند.

نویست به حاج ابوالفضل کاظمی، خالق «کوچه نقاش‌ها» می‌رسد. بسا بیانی خاص از هم‌زمان شهیدش می‌گوید. از شبی که ۳۰۰ نفری به خط زندان اما ۷۰-۶۰ نفر برگشتند. از فرمانده شهید حسین قُجه‌ای می‌گوید که از غم و شرم از دست دادن نیروهایش حاضر به عقب‌نشینی از میدان نشد تا اینکه همراه با یاران شهیدش آسمانی شد. رزمنده هنرمندی که پای ثابت فیلم‌های حاتمی کیاست، بسا اعلام مجری پشت تریبون می‌رود. اصغر نقی‌زاده از خیبر و روضه‌علی‌اکبر گفت و گفت که عکاس جنگ بوده و تا مدت‌ها هر کسی را که او عکسش را می‌گرفته، بی‌بربرگرد به شهادت می‌رسیده است.

نویست به احمد متوسلیان می‌رسد که بانویی ایثارگر فصل رشادت‌های او را ورق بزند. ابتدا گزیده‌ای از فیلم «ایستاده در غبار» پخش می‌شود که در آن مریم کاتبی ماجرای جالب بیمارستان احمد متوسلیان را روایتگری می‌کند. خانم کاتبی هم پرستار و امدادگر بود و هم رزمنده. او می‌گفت که اینچنین از سوسوی آقا توصیف شد: «شعرهایی که آقای دکتر رفیعی خواندند، با آن دهن گرم و نفس‌گیری که داشتند، انصافا شعرهای برجسته خیلی خوب مضمون‌دار خوش‌ساختی بود. ما ایطور شعرها و آثار هنری را در ۲۰ سال پیش

خاطرات دیگران را بیان می‌کنم». بعد نسخه اولیه کتاب خود را به آقا هدیه می‌کند.

نویتی هم که باشد نوبت رزمنده‌ای است که این روزها از او بسیار شنیده‌ایم، علی‌آقای خوش‌لفظ که کتاب «وقتی منتاب گم شد» شرح روایت‌های او است. او طوری با عشق و شور از یاران و هم‌زمانش می‌گوید که زمان از دستش در می‌رود. جماعت با صلوات فرصت کوتاه را یادآور می‌شوند اما آقا از او می‌خوانند به سخنانش ادامه دهد. از خط‌شکنی احمد بابایی و گردان مالک می‌گوید که با چند تا پچه بسیجی با امداد غیبی توانستند از وسط خط یعنی‌ها عبور کنند و از پشت، خط دشمن را بشکنند

علیرضا مرادی، سرهنگ بازنشسته ارتش و فرمانده تیم اطلاعات عملیات نیروهای نوبت نیز میهمان این محفل است که به بیان خاطراتش از شهیدان صیاد شیرازی و آشناسان می‌پردازد. از ماموریتی که قرار بود نقشه‌های عملیات را به شهید آشناسان در خط مقدم برساند و البته هنگامی به آشناسان می‌رسد که مجروح شده بود و در حال برگشت به پشت خط بود.

آخرین راوی شب خاطره حسینیه امام خمینی، ابراهیم حاتمی کیاست. کارگردان فیلم‌های دفاع‌مقدس می‌گوید: «من اگر یک هزارم خاطرات آقای خوش‌لفظ را داشتم خیلی بیش از اینها می‌توانستم تصویر بسازم». بعد هم ماجرای دستان مجروح رزمنده شهیدی را روایت می‌کند که هنگام عقب‌نشینی از خط، پای او را گرفته بود. دستانی که حاتمی کیا می‌گفت: احساس می‌کنم بعد از ۳ دهه از جنگ هنوز پای من را رها نکرده است.

حسن ختام این برنامه توصیه‌های مکرر آقا بر لزوم زنده نگه داشتن یاد شهید و شهادت بود و تاکید ایشان خطاب به ملت که «دفاع‌مقدس را، شهادت را، جهاد را، زنده نگه دارید؛ این خاطره‌ها را قدر بدانید؛ که اینها بسیار باارزش است... حقیقتا این خاطرات، یک ثروت ملی است و متعلق به آن شخص خاطره‌گو و راوی هم نیست، بلکه مال همه ملت است.»

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

پيامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

دل‌نویشت

شهدا ضامن شادی مردم‌اند

آلودگی خود را پای مردم ننویسید

حسین قدبانی

داشتیم با «سردار باقرزاده» حرف می‌زدیم. می‌گفت: «یکی از شهدای تازه تفحص شده، شهیدی است به نام «علی محمدرضایی» که قصه عجیبی دارد! این شهید عزیز، بیسیم‌چی «سردار عراقی» جانشین وقت نیروی زمینی سپاه بود. از بچه‌های لشکر ۸ نجف‌اشرف اصفهان اما اهل قزوین. لابد می‌دانی که تعدادی از بچه‌های «لشکر ۸» از استان قزوین بودند. ما پیکر پاک این شهید را در «ام‌الرصاص» پیدا کردیم و بر اساس شواهد متوجه شدیم که از شهدای عملیات «گرزبلا ۴» است! نکته عجیب اینجاست که بدانی استخوان پای این شهید، درون یک پای مصنوعی بود! یعنی این شهید، جانباز هم بوده! و بسا همان وضع، همچنان مشغول رزم! آن هم کجا؟! ام‌الرصاص! آن هم کی؟! کربلای ۱۴! از این عجیب‌تر اینکه بدانی برادر این شهید، سال پیش در جبهه شام به شهادت می‌رسد، بی‌آنکه پیکرش بازگردد! تو حالا خانواده‌ای و پدر و مادری را تصور کن که ۳۰ سال پیش، یک شهید جاویدالاول دادند و این سالیان هم، یکی دیگری! آن وقت، یک سال بعد از شهادت دومین شهید و بعد از ۳۱ سال، پیکر مطهر شهید اول بازمی‌گردد!»

القصه! بغض داشت صدای سردارا و گلایه‌های بلندبالا از فلان عنصر فتنه‌گر که تشییع پیکر شهیدانی از تبار شهید محمدرضایی را واکنش به نتیجه انتخابات بسا در جهت مخالفت با شادی مردم تفسیر کرده بود: «قبلا هم از این نامردی‌ها کرده بودند! بنویس این نامردی‌ها را! بنویس! بنویس که ما به وزارتخانه‌های مرتبط مثل امور خارجه، اول سال، اگر قراری بر تشییع شهدای تفحص شده باشد، برنامه می‌دهیم! بنویس که قسمت ایثارگران همین وزارتخانه در جریان برنامه قبلی ما بود! در «تشییع میدان بهارستان» آن وقتی که ما برنامه دادیم، اصلا و ایدا نمی‌دانستیم که چند ماه بعد، مراسم ما می‌خواهد با فلان دور از مذاکرات، تلافی داشته باشد! در اوج نامردی، اصحاب تفحص را و آن همه تشییع‌کننده را متهم کردند به تخریب مذاکرات! و حالا گیرم تلافی پیدا کرده مگر مذاکرات این حضرات، حول چه محورهایی بود که تشییع شهدا می‌شود مغل ۱۴! این دوره هم، ما از چند ماه پیش، روز تشییع را اعلام کرده بودیم! هم به دستگاه‌ها و هم به جراید! پس چرا می‌نویسند مخالفت با نتیجه انتخابات یا شادی مردم! مگر مهیا کردن تشییع این همه شهید، کار یک روز و ۲ روز است؟! خودشان از شهدا و پیام شهدا و تشییع شهدا می‌ترسند! آن وقت، تفحص را متهم می‌کنند به سیاسی‌کاری و سوءاستفاده از شهدا! بنویس این نامردی‌ها را!»

چشم سردار تفحص! می‌نویسم! آری! می‌نویسم اما علیه خودت! چرا خواب جماعت را بهم می‌زنی؟! چرا می‌خواهی با «تشییع شهدا» یکی هم «پیام شهدا» را منتقل کنی؟! چرا دست از شعائر شهدا بر نمی‌داری؟! مگر نمی‌بینی بیم دارند از «رگ بر آمریکا» که همان شعار شهدا بود؟! مگر نمی‌بینی هیئات‌شان از «عزت» است و نه «ذلت»؟! مگر نمی‌بینی اسلحه شهدا را دست حاج‌الکسب بر نمی‌تابند؟! مگر نمی‌بینی اصل و اساس رزمندگی را می‌زنند؟! اینها سردار سلیمانی را تا همین حد دوست دارند که ضامن امنیت رانت‌خواری‌شان باشند و الا سخن از «فرهنگ شهادت» اگر بگویم، او هم می‌شود «خشونت‌طلب»! مگر ندیدی چه کردند با موشک‌های شهید طهرانی‌مقدم؟! گمانم سر تو در خاک ام‌الرصاص بود و وقت نکردی مناظره‌ها را ببینی! عامل ابقای تحریم‌ها مشخص شد؛ وصیتنامه سردار شهیدی که دنیا را بدون «غده سرتالی» می‌خواست! می‌دانی فرمانده تفحص! هیچ روزی برای مشایعت پیکر شهدا، از نظر این جماعت، روز مناسبی نیست! آخر اینها بر خلاف اغلب رای‌دهندگان‌شان که هر چند سال یک بار شادی می‌کنند، هر روز و هر شب، بساط شادی‌شان پهن است! سلطان «دید»‌ند و امپراتور «بازدید»! شبی در خانه شیخ رمال! شبی در لانه شیخ کذاب! روزی در کار اختلاس! چکار داری به جماعت؟! بگذار خوش باشنند! شهدا خراب می‌کنند این خوشی را! هر روز که ببینند! حین مذاکره، مذاکره را! حین مغازه، مغازه را! حین رانت‌خواری، رانت‌خواری را!

ادامه در صفحه ۵